

تاریخ عربستان و قوم عرب

دراوان نهور اسلام و قبل از آن

مجموعه خطابه های جناب آقای سید حسن تقی زاده

در دانشکده علوم معقول و منقول

سال تحصیلی ۲۹ - ۱۳۲۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رساله حاضر مجموعه خطابه‌هایی است که علامه محقق جناب آقای تقی زاده راجع بتاریخ قدیم عرب و عربستان در سال تحصیلی ۲۹-۱۳۲۸ در دانشکده علوم معقول و منقول برای دانشجویان این دانشکده ایراد کرده‌اند،

دانشکده علوم معقول و منقول از بدو تأسیس خود پیوسته سعی داشته است علاوه بر موادی که طبق برنامه روزانه در کلاسهای دانشکده برای دانشجویان تدریس میشود باتبیه و مسائل لازم تحقیقاتی راهم که در هر يك از رشته‌های علوم و معارف اسلامی از طرف دانشمندان و محققین بعمل می‌آید مورد استفاده دانشجویان و سایر علاقمندان قرار دهد تا هم برونسخت معلومات دانشجویان بیفزاید و هم در پیشرفت مطالعات مربوط بفرهنگ اسلامی بقدر مقدور کمکی نماید.

خطابه‌های علمی که تاکنون در این دانشکده ایراد شده و رساله‌هایی که از طرف این دانشکده چاپ و منتشر گردیده همه بدین منظور و برای رسیدن بساین هدف بوده است.

هر چند در سالهای اخیر بواسطه موانع و مشکلاتی که پیوسته وجود داشته دانشکده موفق نشده است که بر طبق سنت دیرین خود این وظیفه را که بر عهده می‌شناسد چنانکه باید انجام دهد ولی امیدوار است که بابرطرف شدن موانع و ایجاد وسائل کم کم برای اینگونه خدمات علمی فرصت بیشتری بدست آورد، و اینک خوشوقت است که بانتشار این رساله این رشته از کارهای خود را که مدتی در اثر اوضاع نامساعد تعطیل شده بود دوباره آغاز میکند و از علامه محقق جناب آقای تقی زاده که دعوت دانشکده را اجابت فرموده و بالیراد خطابه‌های محققانه خود این فرصت را در اختیار دانشکده گذاشتند بی نهایت سپاسگزار است.

تاریخ عربستان و قوم عرب

در اوان ظهور اسلام و قبل از آن

قسمت اول و دوم

از

مجموعه سخنرانیهای جناب آقای سید حسن تقی زاده

رئیس محترم مجلس سنا

در دانشکده معقول و منقول

سال تحصیلی ۲۹ - ۱۳۲۸

خطابه راجع بتاریخ عربستان و قوم عرب در اوان ظهور اسلام و قبل از آن

قسمت اول

(اول دی ماه)

موضوع خطابه امروز عربستان و اوضاع تاریخی آن خطه در اوان ظهور اسلام و قبل از آن است از دستور دروس و تعلیمات این مدرسه کمابسی اطلاع کامل ندارم ولی البته مدرسه معقول منقول نام دارد و منقول لابد علم قرآن و تفسیر و سنت و احادیث یا متعاقبات آن از رجال و درایت و سنن و عبادات و معاملات و فقه و اصول را شامل است و آن جمله نیز بر زبان عربی قائم است و برای فهم صحیح آن نه تنها خود زبان بلکه صرف و نحو و معانی و بیان مربوط بآن زبان را فرا گرفتن لازم است و نیز معقول که در واقع حکمت یونانی و ارسطو و افلاطون و سایر حکمای آن قوم و علوم اوائل است بیشتر از مجرای ترجمه عربی و شرح و تعلیقات عربی و تألیفات حکماء و متکلمین اسلامی در دست آقایان طلاب این علوم است لـذا البته اطلاع بر تاریخ عرب و احوال آن قوم و تاریخ زبانشان بی ارتباط برشته تحصیلات آقایان نیست خاصه که دین اسلام از عربستان و میان قوم عرب ظاهر شده و نه تنها قرآن و حدیث بلکه کل شؤون اسلامی با عادات و آداب و زبان و معتقدات و تاریخ عرب مرتبط است و بنابراین برای طلاب علوم دین معرفت باحوال و تاریخ و مسکن و سنن عرب ضرورت

پیدا میکند و بهمین موضوع خطابه‌هایی مناسبت با موضوع تحصیلات آقایان نیست .
ضمناً باید گفته شود که تاریخ عربستان هم بدون شرح شمه‌ای از جغرافی قدیم و جدید
آن کمابسی مفهوم نتواند شد و بهمین جهت قبل از دخول در قسمت تاریخی بدو
مختصری از جغرافیای آن قلمه زمین بیان خواهد شد .



در میان ممالک شرقی واقعه در آفریقای شمالی و آسیای غربی عربستان از
حیث تمدن قدیم و روابط تجارتي و معرفتی با ممالک متمدن دنیای قدیم آن اهمیت
و شهرت رانداشته که آنرا زیاد مورد توجه ملل متمدن خارجی نماید و در همان حال
دوری و انقطاع میماند اگر اسلام در آن سرزمین ظهور نموده و نقش بسیار بزرگ تاریخی
در عرصه عالم از سرحدات چین تا مملکت فرانسه و داخله آفریقا و حتی هندوستان
و چین نمیداشت. ظهور اسلام و فتوحات عرب در انحاء عالم و اداره سیاسی قسمتی از ربع
مسکون (باصلاح آن زمان) بدست مسلمین و خلافت عربی دول و ملل عالم را متوجه
آن سرزمین کرده و مورخین و نویسندگان دنیا آن ناحیت را مورد بحث و دقت
و تحقیق قرار دادند. قبل از ظهور اسلام گذشته از تمدن قدیم یونان و روم و هند و چین
که تا آن تاریخ هم هنوز مداومت داشت و مدنیت مصر و بابل و سومریها و ختی‌ها
و گریدیها و فنیقیها در اعصار قدیمتر اقوام ساکن اطراف عربستان مانند قبطنی‌ها و یهود
و آرامی‌ها و ایرانیها و غیر هم نیز در همان عصر و بلافاصله در چند قرن قبل از حیث
معرفت و تمدن و ثروت و تجارت و مراودات در عداد ملل متمدن آن زمان محسوب
میشدند و کم یا بیش قدرت و شهرت تاریخی داشتند لکن نام و نشان عربستان در دنیای
خارج کمتر مشهود بود و فقط انبساط برق آسا و ناگهانی اسلام و فتوحات عرب و مسلمین
داستان آن صحرای عظیم بی آب و علف یا اقیانوس موج ریک سوزان را که جسته و پاشیده
جزیره‌های کوچکی دارای آب و گیاه (واحه) در آن پراکنده بود بر سر زبانانداخت
معدن قوم عرب را تمدنی قدیم بوده که از قریب هزار و پانصد سال قبل از اسلام شروع

شده و با رونق و ثروت و نظام اجتماعی مرتبی توأم بود .
 جزیره العرب چنانکه خود عربها مینامند قطعه خاکی است تقریباً دو برابر
 مساحت ایران واقع بین ۱۲ درجه و ۴۵ دقیقه و ۳۴ درجه و ۵۰ دقیقه عرض شمالی
 و ۳۰ درجه و نیم و ۶۰ درجه طول شرقی از گرینویچ . قریب نصف وسعت آن صحرای کویر
 است و حدود آن از قراذیل است : فلسطین و شامات و عراق در شمال و خلیج فارس
 در مشرق و اقیانوس هند در جنوب و بحر احمر و ترعه سویس در مغرب . مساحت کل
 شبه جزیره که از شمال غربی بطرف جنوب شرقی بشکل ذوزنقه غیر منظمی ممتد میشود
 قریب سه میلیون کیلومتر مربع است یعنی در واقع معادل سطح مربع متساوی الاضلاعی
 توان شمرده که هر ضلع آن یعنی هم طول و هم عرض آن قریب ۳۰۰ فرسخ باشد
 و این بیش از مساحت ربع اروپا است . سواحل آن بالنسبه آباد است ولی در قسمتهای
 داخلی آن چندین کویر بزرگ از شمال تا جنوب واقع است مثلاً در منتهای شمالی از
 وسط و شمال درجه ۳۰ عرض بادیه الشام است که از حدود فلسطین تا جنوب غربی عراق
 ممتد است ! این صحرا بین نواحی تاریخی معروف ادوم و مواب در جنوب فلسطین
 و جوف شمالی عربستان و وادی سرخان است . این حدود جنوبی صحرا نسبتاً آباد
 و دارای واحه‌های قابل سکونی است مانند دُوْمَةَ الْجَنْدَل تاریخ عرب که حالا جوف
 نامیده میشود . کمی در جنوب این جوف کویر موسوم به نفود بزرگ یا نفود شمالی
 شروع میشود که از مغرب بمشرق قریب ۶۴۰ کیلومتر و از شمال بجنوب قریب ۳۲۰ کیلو
 متر طول دارد و بین جوف و جبل شمر و نجد واقع است . از انتهای جنوب شرقی این
 کویر صحرای دیگری باسم نفود کوچک یا دَهْنَاء که بین نجد و کویت و الأحساء واقع
 است از شمال غربی رو بجنوب شرقی ممتد است با عرضی معادل ۵۰ کیلومتر و طول ۶۰۰
 کیلومتر . در قسمت جنوبی مرکزی شبه جزیره هم کویر عظیم بسیار وسیع الرَّبْعِ الخالی
 است که تمام قسمت جنوب مرکزی و شرقی عربستان را باستثنای سواحل عمان شامل
 واز شمال مَهْرَه و حَضْرَمَوْت تا حدود نجد و شمال یمن و از مملکت عُمان تا حدود
 شرقی یمن را گرفته است صحرای احقاف (که شاید همان باشد که در قرآن در سوره ۶۷

و آیه ۲۰ بعنوان محل قوم عاد ذکر شد و اسم همان سوره است) که در اصل بمعنی تپه های ریزک و شن است صحاری واقع در شمال شرقی حَضْرَمَوْت و نزدیک بدره و چاه برهوت معروف و صحرای صِبْهَد در مشرق یمن و شمال غربی حَضْرَمَوْت و صحرای وبارِ یادهناء جنوبی در شمال مَهْرَه جمله جزو همان الرَّبْع الخالی است .

گذشته از نجد و یمامه که در مرکز عربستان از شمال غربی بسوی جنوب شرقی ممتد است آبادیهای عمده عربستان غالباً در سواحل یا نزدیک بسواحل است. نجد و یمامه مانند جزیره محاط بکويرها است ، نجد قدری نزدیکتر بشمال و یمامه در جنوب شرقی آن واقع است که فعلاً هر دو جزو مملکت سعودی است . نواحی آباد نزدیک بسواحل عبارت است (ابتدا از شمال غربی) از شبه جزیره سینا میان خلیج عقبه و فلسطین از مشرق و تَرَعه سویس از مغرب و اگر چه این قطعه فعلاً در تصرف مصر است از حیث جغرافیائی جزو عربستان است. در مشرق این شبه جزیره و خلیج عقبه اراضی نَبَطِیَان قدیم که از شمال تا وادی العَرَبه و مملکت اِدوم (یا ایدوم) قدیم (که جزو فلسطین است) و از جنوب تا حِصَمی ممتد میشود و شهر مَعان و خرابه های پایتخت قدیم نبطیان که مآخذ یونانی و رومی آنرا پترا مینامیدند و گویا اسم عربی آن حِصَن سَلَع بوده. (اگر چه کتب عربی زمان ما هم بطرا نبت میکنند که البته صحیح نیست) در وادی موسی و بر فراز جَبَل هَرُون در کوههای الشَّرَا در همان ناحیه واقع است .

[در معترضه باید گفته شود که اولاً حِصَمی قسمت ساحلی شمال غربی عربستان و شمالی ترین قسمت حجاز است تا تَبُوك نانیاً اراضی نَبَطِیَان قدیم که ذکر شد فعلاً جزو متصرفات مملکت هاشمی اَرْدُن است ثالثاً این نَبَطِیَان طائفه ای از عرب قدیم بودند که تمدن و دولتی داشته آبادیها و آثار بنائی و خطی از خود گذاشته اند و شرح تاریخ آنها ذکر خواهد شد ولی آنچه باید توجه کرد اینست که این نَبَطِیَان حقیقی غیر از مردمی است که در کتب عربی نبطی خوانده میشوند و مقصود از آن آرامیهای شام و عراق است و حتی گمان دارم در آنچه در فقه در باب طَمْت و یاسسه